ریشه‌های تشکیل بسیج جهانی اسلام در دفاع‌مقدس

از تیپ بدر تا بسیجی‌های مخلص افغانستانی

■ علیرضا محمدی

زمانی که حضرت امام خمینی(ره) از بسیج جهانی اسلامی سخن می‌گفت، کمتر کسی تصور می‌کرد این شجره طیبه انقلاب اسلامی روزگاری از شرق افغانستان تا مرزهای مدیترانه را درنوردد و دیوار به دیوار فلسطین اشغالی، پایه‌های رژیم اشغالگر قدس را به لرزه درآورد. در واقع جبهه مقاومت اسلامی آوردگاهی بود که نشان داد اندیشه بسیج جهانی اسلام تنها در سخن نیست و در صحنه عمل نیز می‌تواند پتانسیل‌های عظیم نهفته در «بسیج» را به رخ جهانیان بکشاند، اما دفاع‌مقدس همان میدانی بود که باعث شد تشکیل گروه‌های بسیجی در دیگر کشورهای اسلامی تسریع و تکمیل شود. به مناسبت هفته بسیج، نگاهی به تاریخچه تشکل‌های بسیجی‌گونه در کشورهای عراق، افغانستان و لبنان می‌اندازیم.

■ **تیپ بدر**

جنگ تحمیلی صدام علیه ملت ایران، برای اولین‌بار به شکل گسترده قدرت بسیج را در میدان رزم به نمایش گذاشت. دفاع‌مقدس نه‌تنها جنگ بین دو کشور ایران و عراق که صف‌آرایی جبهه استضعاف در برابر استکبار بود.

بر همین اساس جوانان مسلمان از سراسر جهان، خصوصاً دو کشور عراق و افغانستان به تکاپو افتادند تا در نبرد حق علیه باطل، در جبهه استضعاف حضور پیدا کنند و دوشادوش رزمندگان ایرانی به نبرد بپردازند. تیپ ۹ بدر که در سال ۶۳ به فرماندهی سردار شهیداسماعیل دقایقی تأسیس شد، یکی از اولین تشکل‌های بسیج در میان غیرایرانی‌ها بود. رزمندگان این تیپ، غالباً از جوانان عراقی بودند که به دلیل شدت عمل حکومت صدام، به ایران مهاجرت کرده و به فرمان حضرت امام پس از عملیات الی‌بیت‌المقدس به جمع رزمندگان پیوستند و تا سال ۶۲ آموزش‌های نظامی لازم را پشت سر گذاشتند.

آنها که حتی پیش از تأسیس تیپ خود در عملیات خیبر حضور یافته بودند، تقریباً تا پایان دفاع‌مقدس در اغلب عملیات‌های بزرگ جنگ تحمیلی شرکت و شهدای بسیاری نیز تقدیم کردند.

شهیدابومهدی المهندس در خصوص انگیزه‌های تشکیل بسیج در میان مجاهدان عراقی می‌گوید: «اصل حضور مجاهدان عراقی در جبهه‌های جنگ در کنار رزمندگان سلحشور ایران یک اصل عقیدتی و انجام تکلیف شرعی بود. بر مبنای دستورات امام خمینی (ره) و دفاع از آرمان‌ها و اهداف مقدس اسلامی بود. برای رویارویی با صدام و حزب بعث طاغوتی عراق بود. مجاهدین عراقی حضور در جبهه‌های نبرد حق و باطل را یک فرصت بزرگ یافتند تا در برابر طاغوتیان جهاد کنند. تهاجم صدام این فرصت را برای مجاهدین عراقی فراهم کرد؛ بنابراین اصل حضور مجاهدین عراقی در جبهه‌ها «اسلامیت» بود که یک اصل اعتقادی درونی برای نجات عراق و سرنگونی رژیم صدام بود.»

تیپ بدر بعدها تبدیل به لشکر و سپس سپاه بدر شد و پس از پایان دفاع‌مقدس، رزمندگان این سپاه کمابیش به عراق بازگشتند و بعدها تشکیل بسیج کشور عراق یا همان حشدالشعبی، آورده‌ای معنوی بود که رزمندگان لشکر بدر با خود به عراق بردند و جوان نسل‌های بعدی کشور خود را با ارزش‌های بسیج آشنا کردند.

■ **رزمنده‌های اعتقادی**

رزمندگان افغانستانی حاضر در دفاع‌مقدس نیز گروه دیگری از بسیجی‌های غیرایرانی بودند که در جنگ تحمیلی با ارزش‌ها و روحیه بسیجی آشنا شدند و بعدها این اندیشه را به نسل‌های بعد از خود انتقال دادند. افغانی‌ها که از اعتقادی‌ترین رزمنده‌های غیرایرانی جنگ بودند، همانند مجاهدان عراقی با تعداد قابل توجهی در جبهه‌های دفاع‌مقدس حضور پیدا می‌کردند؛ چنانچه گفته می‌شود افغانستان بیش از ۲ هزار شهید در جنگ تحمیلی تقدیم کرده است.

یکی از مجاهدان افغانستانی در همین خصوص می‌گوید: «عشق به امام خمینی(ره) مهم‌ترین دلیل افغانستانی‌ها برای حضور در جبهه‌های هشت سال دفاع‌مقدس بود. صاحب‌نظری می‌گوید زمانی که بیت امام در نجف زیر ذره‌بین بود و ایرانی‌ها نمی‌توانستند حتی به محدوده خانه امام نزدیک شوند، ما افغانستانی‌ها به آنجا رفت و آمد داشتیم، بعثی‌ها فکر نمی‌کردند که افغانستانی‌ها هم به حضرت امام ارادات داشته باشند و به خانه ایشان رفت و آمد کنند. این عشق از همان زمان وجود داشت تا اینکه در دفاع‌مقدس به شکل دیگری رخ نشان داد و با ورود جوانان افغانستانی به جبهه در قالب نیروهای بسیجی، ارزش‌های نهفته در شجره طیبه نظام اسلامی در میان آنها گسترش یافت و به شکل موروثی به نسل‌های بعدی انتقال پیدا کرد.»

نکته جالب توجه در خصوص مجاهدان افغانستانی این است که بسیاری از آنها بدون اینکه به‌عنوان مهاجر در ایران حضور داشته باشند، مستقیماً از خود افغانستان به جبهه می‌رفتند و پس از آشنایی با فضای جبهه‌ها و مراجعت به کشورشان، همچون سفیری فرهنگی، اندیشه‌های ناب بسیجی را با خود به کشورشان انتقال می‌دادند. در همان زمانی که تعدادی از رزمندگان افغانستانی در جبهه‌های دفاع‌مقدس می‌جنگیدند، تعداد دیگری از آنها نیز در قالب سپاه محمد علیه ارتش سرخ شوروی سابق نبرد می‌کردند. حضور توأمان رزمندگان افغانستانی در ایران و کشور خودشان باعث شده بود تا روحیه بسیجی در میان رزمندگان سپاه محمد گسترش یابد. بعد از دفاع‌مقدس و همینطور اخراج ارتش سرخ از افغانستان، رزمندگان قدیمی افغانی در قالب هیئت‌های مذهبی همچنان تشکل خود را حفظ کردند. بعدها که فتنه تروریست‌های تکفیری در سوریه رخ نشان داد، حدود ۲۵ نفر از این رزمندگان پیشکسوت در اردیبهشت سال ۹۲ به سوریه اعزام شدند و سنگ بنای تیپ فاطمیون را در آنجا بنا نهادند. این تیپ بعدها تبدیل به لشکر شد و در جریان جنگ سوریه از ارکان اصلی جبهه مقاومت اسلامی به شمار می‌رفت.

■ **جای خالی چمران**

حزب‌الله لبنان را می‌توان از معروف‌ترین تشکل‌های بسیجی غیرایرانی دانست که همانند عراقی‌ها و افغانستانی‌ها، تشکل خود را مرهون دفاع‌مقدس است. پس از حضور قوای محمد(ص) به فرماندهی جاویدالاثر احمدمتوسلیان در پادگان زبدانی سوریه، اولین تماس‌های سازمان یافته و ادامه‌دار بین جوانان مقاوم لبنانی با این نیروها در سوریه و خود لبنان صورت پذیرفت. البته پیش از سال ۶۱ نیز تعدادی از رزمندگان ایرانی به لبنان رفت و آمد داشتند و زمینه‌های آشنایی جوانان لبنانی با ارزش‌های موجود در نظام اسلامی و نهادهای انقلابی آن همانند بسیج را فراهم آورده بودند.

> سردار شهیداحمد کاظمی از اولین نفراتی بود که پیش از شروع جنگ تحمیلی به لبنان رفته بود. پیوندهای فرهنگی، مذهبی و عقیدتی در میان جوامع شیعه ایران و لبنان باعث شده بود تا جوانان لبنانی پیش از سایر کشورهای جهان نسبت به انقلاب اسلامی ایران اقبال نشان بدهند
>
> رزمندگان عراقی در دفاع‌مقدس

سردار شهیداحمد کاظمی از اولین نفراتی بود که پیش از شروع جنگ تحمیلی به لبنان رفته بود. پیوندهای فرهنگی، مذهبی و عقیدتی در میان جوامع شیعه ایران و لبنان باعث شده بود تا جوانان لبنانی پیش از سایر کشورهای جهان نسبت به انقلاب اسلامی ایران اقبال نشان بدهند.

حضور شهیدچمران و امام موسی صدر در سال‌های پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، منجر به تشکیل اولین هسته‌های مقاومت در این کشور تحت‌عنوان جنبش عمل شده بود. پس از پیروزی انقلاب اسلامی زمانی که شهیدچمران به ایران مراجعت کرد، تعدادی از جوانانی که توسط او پرورش یافته بودند، به ایران آمدند و برخی از آنها در همان اوایل دفاع‌مقدس به شهادت رسیدند.

علی‌عباس از نیروهای لبنانی شهیدچمران بود. او بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، همزمان با درگیری شهیدچمران در مسائل کردستان، با گروهی از کودکان یتیم لبنانی به ایران آمد و به خدمت امام(ره) رسید. با شروع جنگ علی عباس به جبهه رفت و نهایتاً روز ۲۶ خردادماه ۱۳۶۱ در جبهه دهلاویه به شهادت رسید. زمانی که علی عباس و جمعی از جوانان لبنانی برای شرکت در دفاع‌مقدس به ایران آمده بودند، هنوز قوای محمد(ص) به فرماندهی جاویدالاثر احمد متوسلیان به سوریه نرفته بودند، اما در نبود شهیدچمران در لبنان و همینطور ربایش امام موسی صدر در لیبی، جای خالی اقدامات سازماندهی شده برای ترویج اندیشه‌های بسیج جهانی اسلام در لبنان مشهود بود.

بر همین اساس پس از حضور قوای محمد در سوریه و ارتباط‌گیری جوانان لبنانی با رزمندگان ایرانی، این جای خالی پر شد و با وجود بازگشت عمده قوای محمد به ایران در تیرماه ۱۳۶۱، بخشی از رزمندگان همچنان در سوریه و لبنان باقی ماندند و در شکل‌گیری و قوام حزب‌الله لبنان کمک شایانی کردند.

یادکرد

یادکری از دو شهید اهل سنت مدافع حرم که سوم آذرماه ۹۴ آسمانی شدند

حضور در سوریه با روحیه بسیجی

■ محمدرضا محمدی

شاید بتوانیم به رزمندگان اهل سنت که عموماً از استان سیستان و بلوچستان در جبهه دفاع از حرم حضور یافته بودند، لقب مخلص‌ترین و در عین حال گمنام‌ترین رزمندگان جبهه مقاومت اسلامی بدهیم. مردانی که بی‌هیچ چشمداشتی و در گمنامی محض به سوریه رفتند و برای دفاع از ارزش‌های اسلامی غریبانه به شهادت رسیدند. متن زیر یادکری از دو شهید اهل سنت مدافع حرم شهیدان سلمان برجسته و عمر ملازهی است که هر دو در سوم آذرماه ۹۴ در سوریه به شهادت رسیدند.

■ **شهید ملازهی**

شهید عمر ملازهی، اولین شهید اهل سنت مدافع حرم است که آذرماه ۱۳۹۴ در سوریه شهید شد. وی متولد سال ۶۳ در شهرستان نیکشهر بود و چهار فرزند داشت.

برادر شهید از انگیزه‌های حضور عمر در جبهه مقاومت اسلامی می‌گوید: قبل از رفتن برادرم، ما از اخبار سوریه مطلع بودیم. احساس ما این بود که تکفیری‌ها دارند به نام اسلام به اسلام ضربه می‌زنند. به همین خاطر عمر تصمیم گرفت به جبهه برود و برای دفاع از اسلام ناب محمدی با تکفیری‌ها بجنگد. عمر ملازهی سال ۹۴ درحالی که ۳۱ سال داشت، رخت رزم بر تن کرد و به سوریه رفت. آن سال او تنها ۳۱ سال داشت، اما چون زود ازدواج کرده بود، خدا چهار فرزند به او داده بود که دل کندن از آنها کار راحتی نبود، اما شهید ملازهی با روحیه بسیجی که داشت به تمام تعلقات دنیا پشت پا زد و با حضور در قافله مدافعان حرم، سوم آذر ماه ۹۴ آسمانی شد.

■ **شهید سلمان برجسته**

سلمان تنها ۲۴ سال داشت که در دفاع از حرم شهید شد. این بسیجی اهل سنت متولد سال ۷۰ در نیکشهر بود. سال ۹۴ به سوریه رفت و همانند همشهری‌اش عمر ملازهی، در آذرماه ۱۳۹۴ آسمانی شد. سلمان از یک خانواده مستضعف بود و سال‌ها برای کمک به معیشت خانواده در شهرهای دیگر کارگری کرده بود، اما وقتی ندای مظلومیت مسلمانان سوریه و عراق را شنید، داوطلبانه و بسیجی‌وار اقدام به رفتن کرد و عاقبت در سال ۹۴ رهسپار مشهدش در کشور سوریه شد. سلمان و عمر ملازهی را باید نمونه‌ای عجیب از جوانان مسلمان اهل سنت بدانیم که روحیه بسیجی و آرمان‌گرایی چنان در آنها اوج گرفته بود که باعث شد به جمع مدافعان حرم بپیوندد. آنها در جبهه‌ای حضور می‌یافتند که به جنگ شیعه با تکفیری‌ها شهرت داشت، اما آنها با بصیرتی که داشتند، دریافتند این جبهه یک طرف مسلمان دارد و در طرف دیگر، گروه‌های سلفی و تروریستی هستند که برای خدشه‌دار کردن نام اسلام و مسلمانان قدعلم کرده‌اند و با دلارها و حمایت‌های عبری-عربی مسلح شده‌اند، بنابراین این دو جوان بسیجی اهل سنت، با جدیت قدم در راه گذاشتند و در کنار برادر شیعه خود در جبهه دفاع از حرم شهید شدند.

گفت‌وگو

شهید صدرزاده (راست) و شهید صابری در کنار حاج قاسم سلیمانی

برگ‌هایی از زندگی بسیجی شهیدمهدی صابری در گفت‌وگو با پدر شهید

کسی باور نمی‌کرد پسرم ایرانی نباشد

■ غلامحسین بهبودی

در سفری که چند سال پیش به شهر قم داشتیم، هر کدام از بسیجی‌های این شهر که شهیدمهدی صابری را می‌شناختند، می‌گفتند هیچ فرقی بین مهدی با یک بسیجی ایرانی وجود نداشت. حتی یکی از آنها می‌گفت تا بعد از شهادت مهدی حتی نمی‌دانستم که او اصالتاً افغانستانی است. آنقدر در فرهنگ بسیجی غرق شده بود که هر کسی او را می‌دید، فکر می‌کرد از کودکی در پایگاه بسیج رشد کرده است. بسیجی شهیدمهدی صابری از رزمندگان لشکر فاطمیون بود که داوطلبانه در جبهه دفاع از حرم حضور یافت و عاقبت در ۹ اسفند سال ۹۳ در حالی به شهادت رسید که فرماندهی گروهان ویژه حضرت علی اکبر(ع) را بر عهده داشت. متن زیر برگرفته از گفت‌وگوی ما با حجت‌الاسلام غلامرضا صابری پدر شهید است که تقدیم حضورتان می‌کنیم.

■ **شبیه بسیجی‌ها**

اینکه می‌گویند مهدی شبیه‌ترین افراد به بسیجی‌های زمان جنگ است، ریشه در تربیت خانوادگی‌اش دارد. پسرم عاشق شهدای دفاع‌مقدس بود. ما یک خانواده مجاهد و رزمنده‌ای داشتیم. مرحوم پدرم سرور صابری کمی بعد از من به ایران آمد و همراه برادرم به جبهه رفتند. او اعتقاد داشت که کمک به نظام اسلامی کمک به اسلام است. من آن زمان محصل بودم و نتوانستم به جبهه بروم، اما بعد از اتمام دفاع‌مقدس، به افغانستان برگشتم و در جهاد علیه حکومت کمونیستی نجیب‌الله شرکت کردم. سیدمحسن برادر خانمم که دایی مهدی می‌شود از رزمندگان و جانبازان دفاع‌مقدس بود و پدر خانمش نیز در جبهه به شهادت رسیده بود، بنابراین مهدی از وقتی خودش را شناخت، دور و برش پر بود از رزمندگان دفاع‌مقدس و با علاقه ذاتی که داشت، جذب شهدا و رزمندگان آن دوران شد.

■ **فعالیت بسیجی**

پسرم از نوجوانی‌اش بسیجی بود. در مسجد المصطفی محله‌مان به‌عنوان بسیجی فعال خدمت می‌کرد. همراه دوستانش مراسم و یادواره شهدا برگزار می‌کردند یا در مناسبت‌ها ایستگاه صلواتی راه‌اندازی می‌کردند و کارهای فرهنگی انجام می‌دادند. بعدها مهدی مسئولیت فرهنگی ستاد مرکزی عالی اعتکاف در قم را بر عهده گرفت و فعالیت‌هایش را تا دانشگاه ادامه داد. پسرم رشته زمین‌شناسی کاربردی را در دانشگاه پیام‌نور دنبال می‌کرد که بحث سوریه پیش آمد. به نظرم سال آخر دانشگاه بود که رفت و شهید شد. خیلی از همکلاسی‌های دانشگاه می‌گفتند که روحیه مهدی عین بسیجی‌ها بود و باور نمی‌کردیم ایرانی نباشد.

■ **شناخت شهدا**

مهدی واقعاً مطالعات خوبی در خصوص شهدا و دوران دفاع‌مقدس داشت. خیلی از شهدای جنگ تحمیلی را می‌شناخت و با آنها انس گرفته بود. شهیدباکری از جمله شهدایی بود که مهدی علاقه زیادی به ایشان داشت یا شهیدمهدی زین‌الدین، فرمانده لشکر ۱۷ علی‌بن‌ابیطالب(ع)قم، از شهدایی بود که مهدی خیلی به مزارش می‌رفت و درباره زندگی‌اش مطالعه می‌کرد. در کل پسرم زیارت گلزار شهدا را خیلی دوست داشت و با آنها حال می‌کرد! برای اینکه بخواهید روحیات مهدی را درک کنید، همانطور که خودتان هم اشاره کردید، یک بچه بسیجی حزب‌اللهی را در ذهنتان تجسم کنید. از آن دست جوان‌هایی که با مقوله شهدا و ایثارگران انس دارند، مهدی چنین روحیاتی داشت.

> مهدی واقعاً مطالعات خوبی در خصوص شهدا و دوران دفاع‌مقدس داشت. خیلی از شهدای جنگ تحمیلی را می‌شناخت و با آنها انس گرفته بود. شهیدباکری از جمله شهدایی بود که مهدی علاقه زیادی به ایشان داشت

■ **شهادت در سوریه**

با چنین روحیه‌ای که مهدی داشت، وقتی قضیه دفاع از حرم پیش آمد، معطل نکرد و برای اعزام ثبت‌نام کرد. بار اول شهریور ۹۳ رفت، سه چهار ماه ماند و بعد برگشت. فقط چند روزی ماند و بار دوم که رفت، یک ماه و ۱۰ روز بعد به شهادت رسید. آنجا با شهید صدرزاده رفاقت زیادی داشتند. صدرزاده هم بسیجی بود. هر دو بسیجی‌وار به جبهه دفاع از حرم رفتند و هر دو به فاصله چند ماه از هم به شهادت رسیدند. مهدی ۹ اسفند ۹۳ در سوریه به شهادت رسید. یازدهم پیکرش به ایران بازگشت و سیزدهم اسفند ماه هم تشییع و به خاک سپرده شد. درحالی که تنها چند روز قبل وصیتنامه‌اش را نوشته بود. بعد از شهادتش مصطفی صدرزاده خیلی به ما سر می‌زد. هر وقت به ایران می‌آمد با ما تماس می‌گرفت و به خانه‌مان می‌آمد. احساس می‌کردم رنگ و بوی پسرم را دارد. هر دو مثل برادر بودند و از هم قول گرفته بودند که آن دنیا همدیگر را شفاعت کنند. خیلی طول نکشید که مصطفی صدرزاده هم اول آبان‌ماه ۹۴ شهید شد و به دوستش مهدی صابری پیوست.

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۶۰۸۰

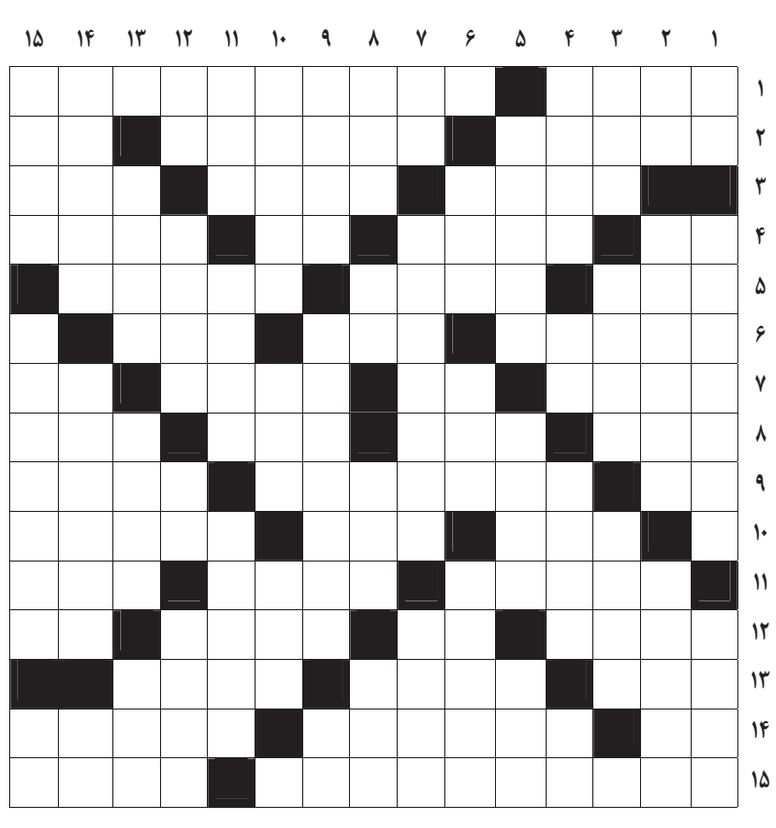

از راست به چپ

■ ۱ـ درست و صحیح ـ از آثار مولانا، شاعر و عارف دلسوخته قرن هفتم ■ ۲ـ کارگردان نقطه چین و پاورچین ـ از میهمان پذیرایی می‌کند ـ علامت مفعول ■ ۳ـ قانع شده ـ دودمان و خانواده ـ اول؛ آغاز ■ ۴ـ نوعی کشتی ـ غوک و وزغ ـ صورت ـ زیان‌دیده ■ ۵ـ از مصالح ساختمانی ـ اقامهٔ دعوی- سرپرستی کودک ■ ۶ـ گل لطافت ـ عبرت ـ فرشته ■ ۷ـ از سبک‌های کشتی ـ ضمیر مخاطب ـ ضد غلیظ ـ برکت و فزونی نعمت ■ ۸ـ پیمانه ـ دوستدار ـ آدمی ـ بلوف ■ ۹-انتها-از ورزش‌های آبی-شیخ‌نشینی در خلیج‌فارس ■ ۱۰ـ نوعی صدا در موسیقی ـ صدسال ـ یخچال پرمصرف ■ ۱۱ـ بادخورک ـ دوراندیشی ـ قله زاگرس ■ ۱۲ـ مرغابی ـ برگ برنده ـ پول چین ـ فرمولی در اتومبیلرانی ■ ۱۳ـ برف آذری ـ نیم میلیون ـ بیماری کم خونی ■ ۱۴ـ حرف دهن‌کجی ـ پدر؛ سرپرست خانواده ـ نوعی طوطی ■ ۱۵ـ چنانچه مردم از هر یک از سازمان‌های دولتی شکایت داشته باشند، باید به این سازمان مراجعه کنند ـ چاشنی صبحانه

از بالا به پایین

■ ۱- جمع اصم به معنی ناشنوا ـ شخصیت سینمایی ـ قبرستانی در مدینه ■ ۲ـ دوستی ـ اثاث همراه عروس ـ از خودروهای وطنی ■ ۳ـ مرد بی‌زن ـ توتیا ـ وحشی ■ ۴ـ اتاقک نگهبانی ـ اسم آذری ـ از استان‌های عراق ـ دختر کارتونی ■ ۵ـ دروغ آذری ـ بهترین جایگزین برای کسانی که به مصرف شیر حساسیت دارند ـ برنج شوشتر ■ ۶ـ بهترین تصفیه‌کننده هوا ـ زیر ـ بندری در بلغارستان ■ ۷ـ سپس عربی ـ آسمان غرنبه ـ توانایی خواندن و نوشتن ■ ۸ـ قصد و آهنگ ـ صدمتر مربع ـ دور افتاده ـ جایز و شایسته ■ ۹ـ مهره شطرنج ـ افتخار ـ تکرار حرفی ■ ۱۰ـ درختی که ریشه آن شبیه انسان است – برس چهارپایان ـ مار خطرناک ■ ۱۱ـ مظهر زیبایی ـ جانشین اسم ـ پول فرانسه پیش از اتحاد پولی اروپا ■ ۱۲ـ «از» عرب زبان ـ آفریننده ـ رود شرعی ـ سخن‌چین ■ ۱۳ـ محل ذخیره دنیوی ـ ظرف مسی بزرگ ـ دانه تسبیح ■ ۱۴ـ دستیار ـ مشورت ـ داخل دهان ■ ۱۵ـ سرگرد قدیمی ـ نوعی جرثقیل ـ گشوده

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

		۱		۵	۷		۹	
		۵	۸	۹				۲
							۱	
	۶		۱			۷		۹
	۳							
			۹			۶		
							۷	۴
۸		۲						
۵				۳	۶			

جدول کلمات متقاطع
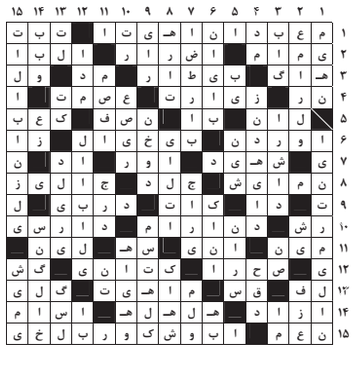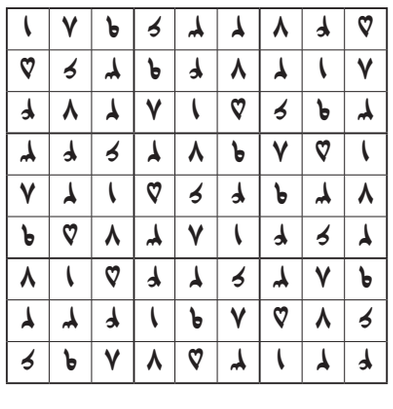
پاسخ جدول شماره ۶۰۷۹